



ماهنامه فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی - بهمن ماه ۱۳۹۰



رسول اکرم (صلی الله علیه و آله):

أَدَّبُوا أَوْلَادَهُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛

فرزندان خود را بر اساس سه خصلت تربیت کنید:  
دوستی پیامبرتان و دوستی خاندانش و قرائت قرآن.

کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۶، ح ۴۵۴۰۹

### گوناگون

۳۶ ▶ خدا همه جا بود

۳۸ ▶ جعبه کفش



۳۹ ▶ آداب غذا خوردن، سخن گفتن، خوابیدن

۴۰ ▶ انار؛ میوه‌ای بهشتی



۴۲ ▶ نظر متخصصان تغذیه درباره مرکبات



۴۴ ▶ معجزه

۴۶ ▶ سه پند لقمان به پسرش

### اجتماعی- تربیتی



۲۲ ▶ اضطراب در دانش آموزان

۲۶ ▶



روزهای فراموش ناشدنی

۳۰ ▶ زندگینامه حضرت آیت الله محمد هادی معرفت(ره)

۳۲ ▶ مهاتما گاندی، رهبر ضد استعمار هند

۳۴ ▶ اخبار مسجد امام حسین(علیه السلام) ۳۴



- برگزاری مراسم ولادت با سعادت امام باقر(ع) با حضور مستشاران عالی دولت امارات متحده عربی در مسجد امام حسین(ع)  
- بازدید از شیرخوارگاه  
- برگزاری مراسم ولادت امام هفتم(ع)

### اعتقادی- فرهنگی



۴ ▶ فروغی از خورشید خاتمیت

۶ ▶ به پیشگاه نازدانه سیدالشهدا(ع)

۸ ▶ زندگانی حضرت عیسی مسیح در قرآن کریم

۱۲ ▶ زندگینامه حضرت سلمان فارسی



۱۶ ▶ فرهنگ وقف در اسلام



۱۸ ▶ امام رضا(ع): زندگی اقتصاد

زیر نظر هیئت تحریریه  
طراح گرافیک: اعظم رضایی

نسبیم از آثار خوانندگان گرامی استقبال می کند  
صندوق پستی: ۲۳۰۶۴ / دبی  
فاکس: ۳۴۹۷۳۶۷ - ۴  
تلفن: ۳۴۴۲۸۸۶ - ۴  
ایمیل: info@3rdimam.com

## فروغی از خورشید خاتمیت

نبی مکرم اسلام حضرت محمد بن عبدالله(ص)، خاتم پیامبران و برترین شخصیت جهان هستی است، که با رسالت الهی خویش جهانیان را از ورطه جهالت و فساد نجات داد و با تعلیم انسان ساز قرآن و سنت، راه سعادت و تکامل و پیشرفت را به بشر نشان داد و تمدن عظیم اسلامی را در سرزمینی که از تمدن و پیشرفت بهره چندانی نداشتند، پایه ریزی کرد. اسلام و آموزه‌های متعالی آن به سرعت در جهان پیشرفت کرد و مناطق وسیعی را در بر گرفت.

عموم مورخان سال ولادت آن حضرت را سال «عام الفیل» (۵۷۰ میلادی) نوشته‌اند.<sup>[۱]</sup> مشهور بین شیعیان هفدهم ماه ربیع الاول و در بین اهل سنت دوازدهم این ماه به عنوان روز ولادت ایشان مطرح است. طبری مورخ مشهور اهل سنت می‌نویسد:

«از ابن اسحاق روایت شده که پیامبر خدا(ص) در عام الفیل، روز دوشنبه، دوازدهم ربیع الاول تولد یافت.»<sup>[۲]</sup>

ابن خلدون نیز می‌نویسد:  
«رسول خدا(ص) در عام الفیل، دوازدهم ربیع الاول، در سال چهارم پادشاهی کسری انوشیروان متولد شد.»<sup>[۳]</sup>

علامه مجلسی (ره) در بحار الانوار آورده است:  
«شیعیان تقریباً همگی اتفاق دارند که تولد پیامبر(ص) روز جمعه ۱۷ ربیع الاول بوده است.»<sup>[۴]</sup>  
نام پدر بزرگوار آن حضرت، «عبدالله» فرزند «عبدالمطلب» و مادر گرمی‌اش آمنه بنت وهب می‌باشد. زندگانی عبدالله با آمنه چندان طولانی نبود چرا که عبدالله دو ماه پیش از میلاد رسول خدا(ص) از دنیا رفت.<sup>[۵]</sup> یعقوبی می‌نویسد:

«عبدالله بنا به نقل مورخان دو ماه پس از ولادت و به نقل بعضی دیگر دو ماه پیش از ولادت آن حضرت در سن ۲۵ سالگی بدرود حیات گفت.»<sup>[۶]</sup>

اجداد پیامبر در شهر مکه، از خاندان شریف و بزرگوار محسوب می‌شدند و مورد احترام اهل مکه بودند. و از مناصب مهمی برخوردار بودند. از این مناصب می‌توان به تولیت و کلید داری کعبه، سقایت (یعنی تهیه آب برای حاجیان) در ایام حج، رفاقت (یعنی غذا دادن به حاجیان)، ریاست مکه و پرچم داری و فرماندهی سپاه اشاره کرد.<sup>[۷]</sup>

در روایات متعددی از رسول خدا(ص) نقل شده است که حضرت فرمود:

«من نتیجه دعای پدرم ابراهیم (ع) هستم و همان کسی هستم که عیسی (ع) مژده آمدن او را داده است.»<sup>[۸]</sup>

بی‌هقی در خصوص این جمله پیامبر(ص) که فرمود:



میلاد خجسته و مسعود حضرت رسول اکرم (ص)  
مبارک باد



«من نتیجه دعای پدرم ابراهیم هستم»، می‌نویسد:  
«چون ابراهیم خانه کعبه را بنا کرد، دعا نمود و چند حاجت از خدا خواست از جمله اینکه خدایا: این شهر را در امان قرار بده...»

سپس عرضه داشت:

«رَبَّنَا وَإِعْتُ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...» (بقره/۱۲۹)

«پروردگارا بر ایشان پیامبری از میان خودشان برانگیز که آیات تو را بر ایشان بخواند و کتاب و حکمت را به ایشان بیاموزد...»

این دعای ابراهیم مستجاب شد و خداوند پیامبر ما را همان پیامبر قرار داد که او خواسته بود.<sup>[۹]</sup>

مژده آمدن رسول گرامی اسلام توسط حضرت عیسی (ع) در آیه:

«وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ»<sup>[۱۰]</sup>

«و هنگامی که عیسی (ع) پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده خدا به سوی شما هستم... و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او احمد است، بشارت می‌دهم...»

مورخان و سیره نگاران به وقوع حوادثی مهم در شب میلاد نبی گرامی اسلام اشاره دارند که نشان از اهمیت این ولادت خجسته دارد. در آن شب ۱۴ برج از ایوان کسری فرو ریخت، آتشکده فارس که هزار سال آتش آن افروخته بود خاموش شد.<sup>[۱۱]</sup> در آن شب، دریاچه ساوه خشکید، موبد بزرگ در خواب دید که شتران تنومند همراه اسب‌های عربی از دجله گذشتند و در سرزمین ایران پراکنده شدند.<sup>[۱۲]</sup> در روایتی از امام صادق (ع) نیز نقل شده که حضرت فرمود:

«چون رسول خدا تولد یافت کاخ‌های سفید فارس و قصرهای شام (در پرتو نوری که تابید) برای آمنه آشکار شد.»<sup>[۱۳]</sup>

حلیمه سعدیه بانوی بزرگواری است که افتخار دایگی محمد(ص) را بر عهده گرفت. و اندکی پس از ولادت، محمد(ص) را همراه خویش به بادیه و نزد قبیله خویش (بنی سعد) برد. و چون پیامبر اکرم(ص) در خانه حلیمه سبب خیر و برکت در آن خانه شد.<sup>[۱۴]</sup> حلیمه پیامبر اکرم(ص) را در سال پنجم ولادت به مادرش بازگرداند.<sup>[۱۵]</sup> بدون شک با ولادت خاتم الانبیاء حضرت محمد بن عبدالله(ص) پر برکت ترین مولود بشری پا به عرصه وجود گذاشت.

اخلاق و رفتار پیامبر(ص) از همان دوران کودکی به گونه‌ای بود که مورد توجه همگان قرار گرفت. ابن سعد می‌نویسد:

«پیامبر از لحاظ جوانمردی و اخلاق و آداب معاشرت و گفتگو و بردباری و امانت از همه برتر بود و از هر گونه آزار و دشنام دادن به دور بود. و هرگز مشاهد نشد که خصومتی یا ستیزه‌ای با کسی کند و آن چنان خداوند اخلاق پسندیده به آن حضرت عنایت کرده بود که لقب «امین» بر او غلبه یافت و در سراسر مکه به محمد امین معروف شد.»<sup>[۱۶]</sup>

پیامبر اکرم(ص) در سن چهل سالگی به پیامبری مبعوث شد.<sup>[۱۷]</sup> و رسالت جهانی خویش را آغاز کرد. ۱۳ سال در مکه به هدایت مردم پرداخت.<sup>[۱۸]</sup> سپس با فراهم شدن زمینه مناسب پیشرفت اسلام در مدینه، به این شهر مهاجرت کرد. قرآن معجزه جاودان الهی است که در طول ۲۳ سال بر آن حضرت نازل شد. رسول گرامی اسلام سرانجام در سال ۱۱ هجری و در سن ۶۳ سالگی<sup>[۱۹]</sup> رحلت فرمود.

پی نوشت:

- [۱]- بیهقی، احمد بن حسین؛ دلائل النبوه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۷۲.
- [۲]- طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ الطبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۰۷.
- [۳]- ابن خلدون، عبدالرحمان؛ الصبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، بی‌جا، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳، چاپ اول، ج ۱، ص ۳۹۱.
- [۴]- مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۲۴۸.
- [۵]- آیتی، محمد ابراهیم؛ تاریخ پیامبر اسلام، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، ص ۵۵.
- [۶]- یعقوبی، ابن واضح؛ تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۶۲.
- [۷]- سبحانی، شیخ جعفر؛ فروغ ابدیت، بی‌جا، دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۸۵.
- [۸]- ابن سعد، محمد؛ الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۳۸.
- [۹]- بیهقی، احمد بن حسین؛ پیشین، ص ۷۴-۷۳.
- [۱۰]- ابن هشام، سیرت رسول الله، ترجمه رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۴۴.
- [۱۱]- محمد بن جریر طبری، پیشین، ج ۲، ص ۷۱۷.
- [۱۲]- آیتی، محمد ابراهیم؛ پیشین، ص ۵۶.
- [۱۳]- طبری، محمد بن جریر؛ و پیشین، ج ۲، ص ۷۰۹-۷۰۸.
- [۱۴]- آیتی، محمد ابراهیم؛ پیشین، ص ۵۸.
- [۱۵]- ابن سعد، محمد؛ پیشین، ج ۱، ص ۱۱۰.
- [۱۶]- همان، ص ۱۷۸.
- [۱۷]- دینوری، احمد بن داود؛ اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی، ۱۳۷۱، چاپ چهارم، ص ۲۰۱.
- [۱۸]- ابن سعد، محمد؛ پیشین، ج ۳، ص ۳.

نویسنده: یدالله حاجی زاده

## به پیشگاه نازدانه سیدالشهدا (ع)

### حضرت رقیه که بود؟

اصل وجود دختری چهار ساله برای امام حسین (علیه السلام) در منابع شیعی آمده است، اما در بعضی منابع در این باره اختلاف وجود دارد. در کتاب کامل بهایی نوشته علاءالدین طبری (قرن ششم هجری) قصه دختری چهار ساله که در ماجرای اسارت در خرابه شام در کنار سر بریده پدر به شهادت رسیده، آمده است، اما در مورد نام او که آیا رقیه بوده یا فاطمه صغری و ... اختلاف است.

همچنین سید بن طاووس در کتاب «لهوف» خود می‌نویسد: «شب عاشورا که حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) اشعاری در بی‌وفایی دنیا می‌خواند، حضرت زینب (س) سخنان ایشان را شنید و گریست. امام (علیه السلام) او را به صبر دعوت کرد و فرمود: «خواهرم ام کلثوم و تو ای زینب! تو ای رقیه و فاطمه و رباب! سخنم را در نظر دارید [و به یاد داشته باشید] هنگامی که من کشته شدم، برای من گریبان چاک زنید و صورت نخرائید و سخنی ناروا مگویید و خویشتن‌دار باشید.»

### \* مادر حضرت رقیه

براساس نوشته‌های بعضی کتاب‌های تاریخی، نام مادر حضرت رقیه (علیها سلام)، ام اسحاق است که پیش‌تر همسر امام حسن مجتبی (علیه السلام) بوده و پس از شهادت ایشان، به وصیت امام حسن (علیه السلام) به عقد امام حسین (علیه السلام) درآمد است. مادر حضرت رقیه (علیها السلام) از بانوان بزرگ و با فضیلت اسلام به شمار می‌آید. بنا به گفته شیخ مفید در کتاب الارشاد، کنیه ایشان بنت طلحه است.

نام مادر حضرت رقیه (علیها سلام) در بعضی کتاب‌ها، ام جعفر قضاغیه آمده است، ولی دلیل محکمی در این باره در دست نیست. هم‌چنین نویسنده معالی السطین، مادر حضرت رقیه (علیها السلام) را شاه‌زنان؛ دختر یزدگرد سوم پادشاه ایرانی معرفی می‌کند که در حمله مسلمانان به ایران اسیر شده بود. وی به ازدواج امام حسین (علیه السلام) درآمد و مادر گرامی حضرت امام سجاد (علیه السلام) نیز به شمار می‌آید.

البته لازم به ذکر است که این مطلب از نظر تاریخ‌نویسان معاصر پذیرفته نشده است؛ زیرا در منابع تاریخی آمده است که ایشان هنگام تولد امام سجاد (ع) از دنیا رفته و تاریخ درگذشت او را ۲۳ سال پیش از واقعه کربلا، یعنی در سال ۳۷ هـ.ق. دانسته‌اند. از این جهت امکان ندارد، او مادر کودکی باشد که در فاصله سه یا چهار سال پیش از حادثه کربلا به دنیا آمده باشد. این مسأله تنها در یک صورت قابل حل است که بگوییم شاه‌زنان کسی غیر از شهربانو مادر امام سجاد (علیه السلام) است.



\* این بار، پدر در سوگ رقیه نشست

چقدر بی تابی دخترم! این همه دلشکستگی چرا؟ مگر دست‌های کوچکت در امتداد نیایش عمه، تنها از خدا آمدن بابا را طلب نکرد؟ اینک آمده‌ام در ضیافت شبانه‌ات و در آرامش خرابه‌ات. کوچک دلشکسته‌ام! پیش‌تر نیز با تو بودم و می‌دیدمت. شعله بر دامان و سوخته‌تر از خیمه آه می‌کشیدی و در آمیزه خار و تاول، آبله و اشک، صحرای گردان را به امید سر پناهی می‌سپردی.

مهربان دلشکسته‌ام! صبور صمیمی! مسافر غریب و کوچک من!

مگر نگفتی که بابا که آمد، آرام می‌گیرم. این همه ناآرامی چرا؟ مگر نگفتی بابا که آمد سر بر دامانش می‌گذارم و می‌خوابم؟ نه ... نه دخترکم نخواب! می‌دانم اگر بخوابی، دیگر عمه نمی‌خوابد.

می‌دانم خواب تو، خواب همه را آشفته می‌کند.

نه ... نخواب دخترم!

دخترم! بگذار لب‌های چوب خورده‌ام امشب میهمان بوسه‌ای باشد از پیشانی سنگ خورده‌ات؛ از گیسوی پریشان چنگ خورده‌ات؛ از شانه‌های معصوم تاز یانه دیده‌ات؛ از صورت رنگ پریده سیلی خورده‌ات. بگذار امشب، مثل شب آرامش تنور بر زانوان زهرا آسوده بخوابم.

نه دخترم! نخواب! بگذار بابا بخوابد.

و چنین شد که رقیه (س)، هنگامی که سر پدر در آغوشش بود، جان سپرد.

منابع:

پهایبی علاءالدین طبری

لهوف سید بن طاووس

چهل روز عاشقانه، محمدرضا سنگری

### \* نام‌گذاری حضرت رقیه (ع)

رقیه از «رقی» به معنی بالا رفتن و ترقی گرفته شده است. گویا این اسم لقب حضرت بوده و نام اصلی ایشان فاطمه بوده است؛ زیرا نام رقیه در شمار دختران امام حسین (ع) کمتر به چشم می‌خورد و به اذعان برخی منابع، احتمال اینکه ایشان همان فاطمه بنت الحسین (ع) باشد، وجود دارد. در واقع، بعضی از فرزندان امام حسین (ع) دو اسم داشته‌اند و امکان تشابه اسمی نیز در فرزندان ایشان وجود دارد.

گذشته از این، در تاریخ نیز دلایلی بر اثبات این مدعا وجود دارد. چنانچه در کتب تاریخی آمده است: «در میان کودکان امام حسین (ع) دختر کوچکی به نام فاطمه بود و چون امام حسین (ع) مادر بزرگوارشان را بسیار دوست می‌داشتند، هر فرزند دختری، که خدا به ایشان می‌داد، نامش را فاطمه می‌گذاشت. همان گونه که هر چه پسر داشتند، به احترام پدرشان امام علی (ع) وی را علی می‌نامید.»

### \* اسیری حضرت رقیه

حضرت رقیه در واقعه عاشورا حدود سه یا چهار سال سن داشت که بعد از شهادت امام حسین (ع) و یارانش در عصر عاشورا به همراه دیگر زنان بنی‌هاشم توسط سپاه یزید به اسیری رفت.

اما داستان شهادت حضرت رقیه (ع) از درون خرابه‌های شام، صدای گودکی به گوش می‌رسید. همه آنهایی که در میان اسرا بودند، خوب می‌دانستند که این صدای رقیه، دختر کوچک امام حسین (ع) است. او حالا از خواب بیدار شده بود و سراغ پدرش را می‌گرفت. انگار که خواب پدرش را دیده بود. یزید دستور داد اسیر امام حسین (ع) را به دختر کوچک نشان دهند و او را ساکت کنند، اما وقتی حضرت رقیه (ع) و امام حسین ع باز هم به هم رسیدند، اتفاق جانسوزی افتاد.



«آیا عیسی وجود داشته است؟ آیا تاریخ زندگی بنیاد گذار مسیحیت حاصل غم و اندوه، تخیل و امید مردم بوده است - اسطوره ای مانند افسانه های کریشنا، اوزیریس، آتیس، آدونیس، دیونوسوس و میترا (مهر)؟...»

این پرسشی است که ویل دورانت در آغاز فصل بیست و ششم (عیسی) از جلد سوم کتاب تاریخ تمدن خود آن را مطرح نموده است.

ناپلئون بناپارت به هنگام ملاقاتش بانویسنده محقق آلمانی ویلانت در سال ۱۸۰۸، چیزی از او درباره سیاست و جنگ نپرسید، بلکه از او پرسید که آیا به تاریخی بودن عیسی معتقد است یا نه؟ [تاریخ تمدن، (قیصر و مسیح)، ج ۳، ص ۶۵۱]

«چه مدرکی برای اثبات وجود مسیح هست؟» [همان، ص ۶۵۲]

و بسیاری پرسش های دیگر، که بحث و بررسی درباره آنها از نظرگاه برون دینی میسر و دارای نتایج سودمند خواهد بود. اما در این مقاله مجال آن نیست.

از نگاه و روایت قرآن کریم، عیسی یکی شخصیت تاریخی است.

زن عمران باردار می شود و نذر می کند که فرزند خود را محرر و خادم خانه خدا کند [آل عمران، ۳۵ به بعد]

اما هنگامی که فرزند او متولد شد، او را دختر یافت. خادمان معابد (از طبقه مردان بودند. او فرزندش را مریم نامید، و او و فرزندانش را به خدا و در پناه پروردگار سپرد. پروردگارش نذر او را به نیکوترین وجه پذیرفت. زکریا شوهر خاله مریم سرپرستی او را برعهده گرفت. سرپرستی مریم پس از کشمکش و مباحثاتی چند، وواگذاری کار به قرعه به زکریا واگذار شد. [آل عمران، ۴۴]. در قرآن کریم داستان حضرت زکریا و تولد یحیی با زندگانی حضرت مریم و تولد عیسی پیوندی تنگاتنگ دارد. [سوره های آل عمران و مریم]. زکریا از خداوند تقاضای اعطای فرزندی صالح می کند و خداوند به او یحیی را مژده می دهد.

کسی که مصدق کلمه خدا [حضرت مسیح] در آینده می باشد. مژده تولد یحیی در شرایطی صورت گرفت که زکریا در پیری و سالخوردگی به سر می برد و همسرش نازا بود.

خداوند مریم را برگزید، پاک گردانید و با تولد شگفت انگیز مسیح او را بر زنان جهان برتری داد. داستان تولد حضرت مسیح در سوره های آل عمران و مریم آمده است. روح خدا در هیات بشری به



## به مناسبت کریسمس زندگانی حضرت عیسی مسیح در قرآن کریم

این یادداشت کوتاه به گوشه هایی از کارنامه و زندگانی حضرت عیسی مسیح در قرآن کریم می پردازد.